

## پیش‌خوان

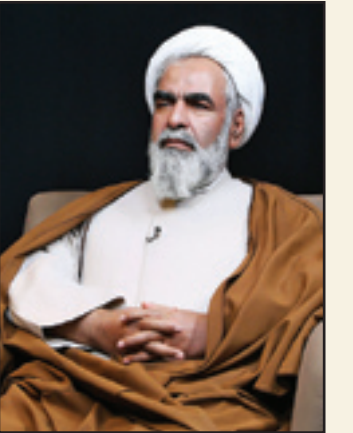
«یک سال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه» در آینه نظری کوتاه

### انقلابی که با نام خدا ظفر مند شد

■ شاهد توحیدی

اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، «یک سال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه» نام دارد که توسط زنده یاد حاجت‌الاسلام والمسلمین روح‌الله حسینیان رئیس فقید مرکز اسناد انقلاب اسلامی تألیف شده و توسط همان نهاد نیز نشر یافته است. مؤلف فقید در دیباچه این پژوهش و در معرفی محتوای آن چنین آورده است: «انقلاب اسلامی ایران سال ۱۳۵۷، پدیده‌ای زبیرتوازن قوا را در روابط بین‌الملل به هم زد، موجب بیداری اسلامی در جهان اسلام شد، نظام‌های مرتجع منطقه را متزلزل کرد و امریکاییان را به شدت تحقیر نمود، به رغم تمامی نظریه‌پردازی‌های برسوم در حوزه انقلاب‌ها، در پی‌روزی انقلاب اسلامی سه عنصر ایدئولوژی اسلام شیعی، رهبری امام خمینی و مجاهدت مردم ایران نقش اصلی را داشتند. این کتاب به تشریح رهبری امام خمینی و جانفشانی و جهاد مردم ایران برای به ثمر رساندن انقلاب اسلامی می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه رهبری خردمندانه‌امام خمینی با اندیشه شیعی، مردم را به خودباوری رساند و موجب شد آنان برای سرنگونی رژیم شاه و برقراری جمهوری اسلامی، از هیچ کوششی دریغ نوززند…»

مؤلف فقید در بخشی از این تحقیق، در باب ابتکار مردم در سردادن فریادالله‌اکبر بر پام‌ها در دوره وچ‌گیری انقلاب اسلامی در سال ۵۷ می‌نویسد: «یکی از ابتکارات نیروهای مذهبی که روحیه دشمن را در هم شکست، فریادالله‌اکبر در شب‌های محرم (سال ۱۳۵۷) بر بالای پشت‌پام‌ها



زنده‌یاد حاجت‌الاسلاموالمسلمین روح‌الله حسینیان

بود. به‌گزارش استمیل وابسته سیاسی سفارت آمریکا، مردم که توسط بلندگوها بری مقابله با شاه بی‌خدا و غاصبین فاسد دعوت می‌شدند، سرشار از روحیه شهادت‌طلبی امام‌حسین بودند و ملتپناهه حرکت می‌کردند. پس از اعلام ساعت حکومت نظامی، هنگامی که دسته‌ها از مساجد خارج می‌شوند تا در محل‌های تعیین‌شده به راهپیمایی بپردازند، به‌نشانه شهادت‌طلبی سر تا با سفید پوشیده بودند. سازمان‌های انقلابی که کسانی که در خانه‌ها مانده بودند، دستور دادند تا بر پام‌ها رونند و فریادالله‌اکبر بسر دهند. فریاد الله‌اکبر علاوه‌بر اینکه خط‌مشی نیروهای انقلابی را ترسیم می‌کرد، مانور قدرتی بود علیه رژیم، چه اینکه از اکثر پشت‌پام‌ها فریاد تکبیر بلند بود و این‌نشان می‌داد که شاه در ایران، هیچ جایی برای ماندن ندارد. به نظر ویلیام سولیوان سفیر وقت آمریکا در ایران، فریاد تکبیر تاکتیک مؤثر و تازه‌ای بود که مخالفان مذهبی شاه برای نشان دادن قدرت خود به آن دست زدند. این ابتکار علاوه بر نشان دادن قدرت و کثرت نیروهای مذهبی، جنگ روانی بود که علیه نیروهای که از شعارهای اسلامی به‌حسب افتاده‌بودند، به‌کار می‌رفت. تکبیر‌های شش‌ب‌های محرم چنان برای شاه کابوس شده بود که بعد از فرار به‌مرکش وقتی صدای الله‌اکبر آنان از مانده‌ها پیش می‌شد، به‌وحشت می‌افتاد. حق شاه داشت از این فریاد رسای انقلاب‌اسلامی مرعوب‌شود، زیرا تا‌نگ‌ها و سلاح‌های مدرنی که اطراف کاخ‌های او مستقر شده بودند، اجازه تظاهرات در نزدیک‌کاخ‌ها را غیر ممکن کرده بودند، ولی طنین‌الله‌اکبر در شب‌های محرم، از حصارهای کاخ عبور می‌کرد و به‌درون اتاق شاه می‌رفت. به گفته پیر بلانشه، این فریاد در خلال شب‌های مقدس محرم در ماه دسامبر، حتی به پنجره‌های کاخ نیاوران، کاخ شاه در شمال شهر تهران نیز می‌رسید… خصوصاً که این شعار همراه با زنده‌یاد خمینی و خمینی وارث حسین است، توأم بود…»

■ **الهام‌دانی سرشت**

از مقطع پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از مؤلفه‌هایی که افراد و گروه‌ها را نسبت به خط اصیل مبارزاتی امام نسبت‌سنجی می‌کرد، مسئله «سازشکاری» بود. بر اساس خط امام، در عین عدم افراط در مبارزه با دشمنان بالفعل (استبداد شاهنشاهی و استعمار بیگانگان) و باقوه (منحرفان داخلی همچون سازمان موسوم به مجاهدین خلق)، هرگونه سازش‌نهی نشده است. با این همه افراد و گروه‌هایی با توجهات گوناگون، رو‌یکرد سازشکارانه را در دستنور کار خود قرار داده بودند، اما در این میان برخی از یاران صادق و خادم‌امام، با پایبندی به ایستگی و سازش‌ناپذیری، شهره تا رخ شدند.

از جمله این افراد، شهید آیت‌الله دکتر سیدمحمد بهشتی بودند. ایشان چه در دوران نهضت اسلامی و چه بعد از پیروزی انقلاب، با اعتقاد راسخ به اینکه جریان انقلاب‌سنجی با سازش‌ندارد، همواره در برابر این خط فکری ایستاد و همین ویژگی نیز زهدت‌ها و سمپاشی‌های فراوان و نهایتاً تور آن‌بزرگ را در پی داشت. در این روزها که می‌جدد در عرصه سیاسی، دو‌گانه‌هایی با سازش‌ناپذیری داشتند و به مناسبت چهل‌ودومین سالروز شهادت شهید بهشتی، نوشتار حاضر، به واکاوی منش این اندیشمند مبارز

در مواجهه با مسئله سازش و تقابل با پهلوی، ایالات متحده آمریکا و جریان‌ات منحرف پر‌داخته است. ■ ■ ■

■ **«خط سازش» از منظر شهید بهشتی**

شهید آیت‌الله بهشتی طی یک سخنرانی در جمع مردم اهلیان در مورخه ۱۳۵۹/۱/۱۹، به مرزبندی و تبیین وجوه تمایز «خط سازش» و «خط امام» پرداخته‌اند. از منظر ایشان خط سازش مطرود و سیاسی کاری محور تلاش سازشکاران است و بر این اساس به صورت واضح، خط سازش را تعریف کرده‌اند: «خط امام و خط سازش، مقابل همدیگرنند خط امام از نظر ایدئولوژیک، یعنی خطی که اسلام اصیل را با اندیشه‌باز می‌شناسد و می‌پذیرد و عمل می‌کند و نمی‌ترسد که به او بگویند مرتجع یا امل و نمی‌ترسد که به او بگویند آدمی است که خیلی روشنگر شده، نه‌از برچسب روشنگر منحرف می‌ترسد، نه‌از برچسب ارتجاع… خرافی و ظاهرپن، نه‌دچار انحراف اندیشه‌های التقاطی می‌شود، نه‌با این می‌سازد، نه‌با آن. سازشکار نیست، مسلمان خط امام از نظر ایدئولوژیک، با خرافین سازشکاری نشان می‌دهد و نه‌با التقاتلپون سازشکاری نشان می‌دهد. برای خط امام (نه خط سازش) مبارز، مبارزه‌اش هر قدر می‌خواهد باشد، درجه مبارزتش سازشکار نخواهد باشد، اما باید اصالت داشته باشد، معامله‌گر نباشد، اهل داد و ستد سیاسی مطلقاً نباشد، بنابر این ویژگی «نه‌اش را هم به خاطر بسپاریم که خط امام، طرد خط سازش است… فرق است بین مبارز سیاسی و سیاسی‌کار… اصطلاح سیاسی کاری را این‌نوجوان‌های داخل خط انقلاب خوب درک می‌کنند که فرقی با مبارزه سیاسی چیست، مبارز سیاسی، کسی است که نامرز جهاد مسلحانه جلو نمی‌رود، اما هر جا دستش برسد یک ضربه سیاسی بر دشمن می‌زند. سیاسی کاری، کسی است که

## تاریخ

۸۸۴۹۸۴۳۷۰



۱۳۵۹. شهید آیت‌الله سیدمحمد بهشتی در حال ایراد سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه قم

### د

**آیست‌الله بهشتی**: «**سازش مصلحت‌جویانه این است که یک گروه علاقه‌مند به کشور، یک خط‌مشی سیاسی انتخاب کرده که در آن معتقد است به جای مبارزه قوی و نیرومند با بر قدرت‌های استعمارگر بیاید و با آنها وارد مذاکره شود و به خیال خودش آنها را هم قانع کند که دست از سر یک کشور و ملت دنیای سوم بردارند و بخواهد با منطق، آنها را از استعمار و استثمار منصرف کند بی‌آنکه واقعا بخواهد به ملت خودش خیانتی کند. به این می‌گوییم سازش مصلحت‌جویانه و از نظر من این نوع سازش هم محکوم است…»**

مرکز خارج شده و از دست رفته بود، آقای بازگان بعد از بازگشت از سفر کردستان، در جمع اعضای شورای انقلاب حاضر شد و اعلام کرد دولت چاره‌ی ندارد جز اینکه در مقابل حزب دموکرات تسلیم شود و یک نوع خودمختاری به آنها اعطا کند و شرایط آنها را بپذیرد. در همین جلسه بود که شهید بهشتی و شهید مطهری بلند شده، فریاد می‌کشیدند یعنی چه آقا؟ شما می‌خواهید ما در مقابل نیروهای دموکرات و کمونیست تن به سازش بدهیم؟! خیر چنین نیست و سازش معنی ندارد.»<sup>[۱]</sup> شهید بهشتی نیز خود در خصوص ماجراهای کردستان و خسارت سیاست سازش دولت موقت، چنین می‌گویند: «ملت به ما اجازه نمی‌دهد با آن روش آشوبه سازش ا، سر سازگاری نشان دهیم که در حساس‌ترین لحظات کردستان، وزیر کشور وقت، آقای دکتر بونسی یعنی یک افسر توده‌ای مار کیسیست را به عنوان استاندار کردستان در حکومت جمهوری اسلامی به آنجا می‌فرستد.»<sup>[۲]</sup>

از سوی دیگر تلاش برای سازش با آمریکا، از دیگر انتقادات مهم شهید بهشتی به دولت موقت بود. شهید بهشتی در این باره می‌گویند: «ما همین مسئله بی‌اعتنایی به امریکا و استقلال هر چه سریع‌تر جامعه را مکرر مطرح می‌کردیم و معتقد بودیم جامعه حاضر است یک مقدار سختی تحمل کند، ولی زودتر روی پای خودش بایستد. جامعه بالاخره یک دوره مشقت می‌خواهد. انقلاب بدون رحمت که نمی‌شود، ایشان مهندس بازرگان آمدی گفتند لومنی ندار، ما می‌توانیم روابطمان را با آنها آمریکا به‌طور حسنه حفظ و دفاع جامعه را هم تأمین کنیم، این دو سلیقه بود.»<sup>[۳]</sup>

همین تفکر سازشکارانه سبب شد تا تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، دولت موقت در اولین عکس‌العمل استعفا کند. شهید بهشتی در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات در سال ۱۳۵۸، در تحلیل این استعفا عنوان کردند: «من هر دی این برادرها آواز گان و یزدی را همچنان برادرهای دوست داشتی و برخور دار از درجه بالایی از صداقت و صمیمیت می‌دانم، ولی خط فکری‌شان را در مورد سیاست انقلابی ایران، از اول هم خطی که با ما بخواند، نمی‌یافتم و ما از همان اول حس می‌کردیم که نقطه نظرهایمان مختلف است…»

ما معتقد بودیم انقلاب ایران یک انقلاب جهانی است، لاقط در جهان اسلام و در دنیای مستضعفین. شاید آقای بازرگان اینطور‌ها نمی‌اندیشیدند. ما معتقد بودیم که در داخل مملکت، باید سراج از این فرم بوزور کراتیک عمل کرد. آقای مهندس بازرگان عجیب تکیه داشتند روی اینکه همه کار‌ها را بپرداز نوی همین کتال‌های بوزور کراتیک و به همین دلیل، خیلی ضربه خوردیم.»<sup>[۴]</sup>

■ **سازش‌ناپذیری در برابر استکبار جهانی**

عینی‌ترین نمود سازش‌ناپذیری شهید بهشتی را می‌توان در تقابل ایشان با نمایندگان امریکایی و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی یافت. در خصوص سازش با آمریکا، شهید بهشتی در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های خود، مکرراً موضع خود را شفاف بیان و صورت‌بندی خویش را از انواع سازش ترسیم می‌کنند. «به نظر من نوع سازش وجود دارد در عالم بشریت که فکر می‌کند هر دو مردود باشند، یکی سازش خیانتکارانه و دیگری سازش مصلحت‌اندیشانه است. من شخصاً هر دو نوع سازش را رد می‌کنم. در مورد سازش خیانتکارانه، می‌کنند تا خودشان با حمایت آن بر قدرت در جایی او بنشینند. این سازش خیانتکارانه است و معمولاً در این رویه، اینگونه افراد یا گروه‌ها مجبور می‌شوند

■ **سازش‌ناپذیری با جریان سازش داخلی**

جریان لیبرال (در قالب جبهه ملی و نهضت آزادی) که براساس روایات و اسناد لانه جاسوسی، از سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب با سفارت آمریکا روابط عمیق داشتند، همواره در صدد انحراف مسیر انقلاب از خط اصیل خود به سمت غربگرایی بودند. آنان با طرح سیاست گام به گام، سازش با دشمن را قدرتیز می‌کردند. سیاسی که بعدها شهید بهشتی، آن را دلیل اصلی اختلاف خود با اعضای نهضت آزادی بیان می‌کنند: «اتلاف حزب آجهوری اسلامی ا با نهضت آزادی، بر سر همان مواضع فکری و سیاسی است. حزب مستعد است با بر قدرت‌ها بیاید مثل یک قدرت کامل که این از بر قدرت‌هایی نیاز است، بر‌خورد کرد. نهضت آزادی معتقد است که باید گام به گام آرام مطلب را حل کرد.»<sup>[۵]</sup> این سازشکاری لیبرال‌های ملی و نهضت‌آزانه، و چون آقای بازرگان آنجا اعلامیه ندادند، نسبت به مبارزه با رژیم شاه هم چنین رویکردی داشتند. چنانچه شهید بهشتی با اشاره به دیدار مهدی بازرگان و ابراهیم یزدی با امام در پاریس و طرح سیاست گام به گام سازش در ادامه تأکید می‌گویند: «سه ماه قبل از انقلاب، همین آقای مهندس بازرگان در پاریس آمده بود که امام ا‌واقع کند که اگر شورای سلطنت باشد و یک آزادی انتخاباتی هم باشد، مبارزه تا همین‌جا ختم شود و ایشان (امام) تشریف بیاورند. امام هم بعد از دیدار گفته بودند که این‌طور نمی‌شود. اگر می‌خواهی ما من دیدار دوم داشته باشی، باید برضد این رژیم سلطنتی اعلامیه بدهی. اگر اعلامیه دادی، می‌توانید با من ملاقات دوم داشته باشید والا نه…» و چون آقای بازرگان آنجا اعلامیه ندادند، دیدار دومی هم با امام نداشتند.»<sup>[۶]</sup>

مقابله شهید بهشتی با خط سازش – که قبل از پیروزی انقلاب آغاز شده بود- بعد از آن نیز همچنان ادامه داشت. چنانچه با پیروزی انقلاب اسلامی، این جریان در رأس دولت موقت قرار گرفت. دولت موقت نیز بر مبنای همان اعتقاد و رویکرد، در مواجهه با دشمنان داخلی و خارجی، سیاست سازش را در پیش گرفته بود. در چنین شرایطی یکی از مهم‌ترین انتقادهای شهید بهشتی به دولت موقت، نقد سیاست‌های سازشکارانه این دولت بود. سردار رحیم ضوی در خاطرات خود با اشاره به انتقاد‌های شهید بهشتی از شیوه اداره کشور توسط دولت موقت می‌گوید: «در زمانی که استان کردستان تقریباً از حاکمیت دولت

«دشمن باید بداند که حرف‌او قوی است و چه بهتر که این را از نزدیک ببیند و این عقیده شخصی خود من بود برای این که از همان اول با یک زست سیاسی این را به دشمن نشان بدهم، در چند موردی که پیش آمد، بدون استثنا وقتی تقاضای ملاقات کرد، درمابغی و دیگران، من اگر مکرر می‌شد، می‌گفتم فقط در منزل خودم یا منزل یکی از اعضای شورای اس از اینکه فرمان امام(ره) آمد که جوان‌های ما از تنش فرار کنند، اینها که مرعوب شده بودند، سازش و وجود دارد در عالم بشریت که فکر می‌کنم شخصاً گفتم فقط در خانه. پیغام دادند ما امنیت نداریم و نمی‌توانیم از محل ستلمان بیرون بیاییم، در ستاد، گفتم بنده که نمی‌آیم و نرفتم. من از این به عنوان یک نشانه اعتقاد می‌کنم تا خودشان با حمایت آن بر قدرت در جایی او بنشینند. این سازش خیانتکارانه است و معمولاً در این رویه، اینگونه افراد یا گروه‌ها مجبور می‌شوند



■ **«خط سازش» از منظر شهید بهشتی**

شهید آیت‌الله بهشتی: «**گفت‌وگویی مستقیم با دشمن اگر آهنگ مذاکره مصلحت‌جویانه و سازش‌آمیز داشته باشد، محکوم است ولی اگر به منظور نشان دادن اعتماد به نفس و آگاهی انقلاب و انقلابپون و در یافتن نقطه‌های ضعف دشمن باشد، مفید و در بسیاری موارد لازم است. من معتقدم در میدان سیاست و انقلاب، یک انقلابی می‌تواند با نمایندگان دشمن حرف بزند به یک شرط، در این حرف زدن هیچ چیز از او نخواهد، نه نظر بخواهد، نه کمک بخواهد. چون کسی نمی‌تواند از دشمن انتظار کمک داشته باشد…»**

## روزنامه جوان | شماره ۶۷۹۳

علاوه بر این شهید بهشتی، در اصل قبول مذاکره و محدود دانستن آن، مکان مذاکره، لحن و موضوع مذاکرات و نتایج حاصل از آن، خطوط قرمزی غیر قابل سازش را طرح و عمل می‌کنند. چنانکه در ذکر خاطر‌های که خویش آن را «جالب» می‌خوانند، به نمونه‌ای از رفتار خود در این خصوص اشاره می‌کنند و می‌گویند: «هر یکی از این بر‌خورد‌ها، یکی از همین امریکایی‌ها که او را به عنوان سبک‌شناس معرفی کرده بودند… گفتند این اصرار دارد با برخی از اعضای شورای انقلاب صحبت کند، تصمیم بر این شد که صحبت کنیم، اما آن موقع ما دفتر و دبیرخانه نداشتیم، یکی از چیزهایی که به کار می‌بردم، این بود که می‌گفتم هر کس با ما می‌خواهد حرف بزند، برای حفظ عزت و این که از موضع قدرت بر‌خورد کنیم، به خانه بیاید، ما به جایی نمی‌رویم، ما که با آنها حرفی نداریم… به هر حال این آقام هم اینجا صحبت کنند… وقتی بیرامون مشکلات انقلاب و پیروزی این انقلاب مقداری بحث کرد، ارتش‌شاه را به رخ ما کشید، گفت شما فکر نمی‌کنید که دارید یک ملت بی‌سلاح را با یک ارتش ۵۰۰ هزار نفری از بیخ دندان و فرقی‌سر تا نوک یا مسلح با بهترین سلاح‌ها روبه‌رو می‌کنید؟ گفتم چرا، می‌دانم، ولی شما هم فکر نمی‌کنید که این ارتش، ارتشی است که به آسانی از شاه جدا می‌شود؟ گفت فرض کنید که نصف اینها از شاه جدا شوند، ۲۰۰ هزار تازی اینها به شاه وفادار بمانند، فکر نمی‌کنید که کشتار‌های میلیونی راه‌ببندازند؟ همین شما‌ها را همین تو را می‌گیرند و نابودی می‌کنند! در اینجا بود که هیچ ضابطه و هیچ بیانی نمی‌توانست این پیام را با آن روحیه و احساس به این امریکایی نمایاننده استعمار منتقل کند، با یک هیجان و روحیه گرم به او گفتم می‌فهمی چه می‌گویی؟ آیا شنیدهای عاشقی را از معشوق خود بترسانند؟… برای ملت به پاخاسته و ما که مسئولیت‌های بزرگ را به عهده گرفته‌ایم، شهادت عشق است و حالا شما ما را از معشوق می‌ترسانید؟ سخن به همین پایان یافت و بعد آن آقای که با این فراد آمده بود، به او گفتم چه یافتی؟ گفت این جمله آخر او را مایوس کرد، بلا به دانشمن سخن بگو و او را از خود مایوس کن. دندان طمع دشمن را بکن. من این را یک روش بسیار مفید و پیروز‌مننده در مبارزه می‌دانم. خط امام از نظر بر‌خورد با استبداد، استعمار، دشمنان و اصالت انقلاب اسلامی، ما، خط قدرت و بر‌خورد با شجاعت و قدرت و پیروزمندی است و نه خط سازش، نه در شکل سازش‌خانه و نه در شکل سازش مصلحتی.»<sup>[۱]</sup>

در نمونه‌ای دیگر از منش و روش سازش‌ناپذیر و قاطع و صریح شهید بهشتی در مقابل دشمن، بر خلاف جوسازی مخالفان ایشان، بر اساس اسناد لانه جاسوسی روز ۲۸ اسفند۱۳۵۷، سولیوان سفیر

امریکا به دیدار شهید بهشتی می‌رود و ایشان هم طبق صلاحدید شورای انقلاب، برای رساندن مستقیم پیام انقلاب به سران آمریکا می‌پذیرند. سولیوان پس از این ملاقات، در نامه‌ای به وزارت خارجه کشور متبوع خود، بهشتی را اینگونه توصیف می‌کند: «او به وضوح سیاستمداری خیره است. زبان انگلیسی او خوب می‌داند. او متفکر قوی و روشمند و مدیری تواناست. سخنانش سازش‌گر است و از شاشای بی‌شایعه و بی‌گم نمی‌برد. بهشتی می‌گوید شاید مردم ایران مطالب زیادی نخواهند باشند، ولی بسیار شنیده‌اند و به خوبی می‌فهمند که آمریکا شاه را در همه این سال‌ها، بر سر قدرت نگه داشت. تلاش می‌کنیم به مردم خود پیاموزیم که شکیبا باشند و سعی کنند کسانی را که تاریخ گذشته ایران آنان را لایق نمی‌شناسد، درک کنند و او این سخنان را در پاسخ به سوآلی درباره روابط ایران و آمریکا مطرح کرد. او گفت سیاست‌های آمریکا برای مخالفان اسلامی، در‌درسه‌های زیادی ایجاد کرده و همه مردم جهان از این سیاست‌ها متفرزند.»<sup>[۲]</sup>

در سند دیگری که مربوط به آخرین روزهای فعالیت سفارت آمریکا در ایران و دیدار لینکن کار‌دار سفارت و یکی از دیپلمات‌های امریکایی با شهید بهشتی در ۵ آبان ماه می‌باشد، آمده است: «ما هفته پیش از یکی از رهبران مذهبی (ملاهای پیشتا)، در مجلس سنا، درخواست ملاقات کردیم. مذاکرات جالبی بود. مردی که عمیقاً به ما ظنن بود ولی ظاهراً حاضر بود حرف‌های ما را بشنود… بهشتی شخصیت مؤثر و گیرایی می‌باشد. مطمئناً در ظاهر و اگر بتوان از اسلی این گفت‌وگو قضاوت کرد، از لحاظ فکری و عقلی هم مؤثر و گیراست. او با اعتماد به نفس فوق‌العاده و به‌طور آرام و شمرده و انگلیسی، خوب صحبت می‌کند. رفتار او در تمام موارد، آرام و غیراحساسی بود. به نظر می‌رسد که او سعی داشت به ما بفهماند که بهبود روابط، بیشتر به نفع امریکا بوده تا به نفع ایران. ایران انقلابی از حمایت و تقاهم امریکا استقبال خواهد نمود، و به هیچ‌وجه به امریکا وابسته نخواهد بود.»<sup>[۳]</sup>

منابع:

- سیدمحمدحسینی بهشتی، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت‌الله شهید دکتر سیدمحمدحسینی بهشتی، به تدوین محمدرضا سربندی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۱۶، ج۳، ص۵۱۵
- سیدمحمدحسینی بهشتی، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها…، جلد۱، ص۳۸۶
- روزنامه کیهان، ۱۳ اسفند۱۳۵۸، ص۲
- روزنامه اطلاعات، ۱۱ اردیبهشت۱۳۵۸، از زندگی آیت‌الله دکتر سیدمحمدحسین بهشتی، مرتضی نظری، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، صفحه۱۷۲
- از جنوب لبنان تا جنوب ایران، خاطرات سردار سیدرحیم ضوی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص۱۵۲
- او به تنهایی یک ملت بود، انتشارات واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۸۱، جلد۱، ص۲۵۰
- روزنامه کیهان، ۱۳ اسفند ۱۳۵۸، ص۲
- روزنامه اطلاعات، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸، صفحه ۳
- ۱۰۹۰۴، سیدمحمدحسینی بهشتی، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها…، جلد۳، صص۱۹۱ تا ۱۹۴
- ۱۳۰۱۳، اسناد کامل سفارت امریکا از شهید بهشتی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۴۰۱/۱۰